

رشد فقرزدا در استان‌های منتخب ایران

محمد شریف کریمی

استادیار دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

sharifkarimi2@yahoo.com

سهراب دل انگیزان

دانشیار دانشگاه رازی

sohrabdelangiza@gmail.com

الهام حشمتی دایاری

کارشناس ارشد دانشگاه رازی

el.heshmati@yahoo.com

فقر از مهم‌ترین مشکلاتی است که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه می‌باشند، از این‌رو مسئله فقر و فقرزدایی همواره مورد توجه ملل بوده است. این پدیده در دنیاک اجتماعی که مقابله با آن ضروری است در اکثریت کشورهای در حال توسعه خارج از کنترل بوده است. تلاش این مطالعه بر آن است که با استفاده از اطلاعات بودجه خانوار نوعی هماهنگی و هم جمعی بین تحلیل‌های کلان رشد اقتصادی و تحلیل‌های خرد رفتار عاملان اقتصادی ایجاد کند. لذا این که رشد اقتصادی چقدر فقر را کاهش می‌دهد، سوال مهمی است که در این مطالعه بدان پرداخته شده است. علاوه بر این، تأثیر تغییرات میانگین درآمدها و توزیع درآمدی بر فقر موربدبر مردمی قرار گرفته است و با محاسبه شاخص رشد فقرزدایی PPGI برای بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی در مناطق شهری و روستایی استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، فارس، کرمانشاه، مازندران و مرکزی طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۴ بخش‌های اقتصادی که از رشد فقرزدا برخوردار بوده‌اند، مشخص گشته‌اند. هم‌چنین با استفاده از نتایج بدست آمده ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری برسی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رشد اقتصادی منفی در اکثریت موارد می‌باشد که باعث افزایش فقر از طریق اثر درآمدی گشته است؛ اما وضعیت توزیع درآمدها غالباً بهبود پیدا کرده و منجر به کاهش فقر شده است. با توجه به برآیند این دو اثر بر فقر، به استثنای استان سیستان و بلوچستان که در تمام بخش‌های آن فقر افزایش یافته است، در استان تهران بخش خدمات شهری، در استان اصفهان بخش کشاورزی شهری و در سایر استان‌ها بخش خدمات روستایی بهترین وضعیت فقرزدایی را داشته است.

طبقه‌بندی JEL: I32, D31, D63, O40

واژگان کلیدی: رشد فقرزدا، فقیر، خط فقر، منحنی لورنزا.

۱. مقدمه

فقر یکی از مشکلات جوامع بشری است و تلاش برای کاهش آن همواره از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های دولت‌ها بوده است. در راستای رسیدن به این هدف رشد همه‌جانبه نقش حیاتی دارد، اما نابرابری درآمدی سرعتی که رشد اقتصادی به کاهش فقر تبدیل می‌شود را تحت تأثیر قرارمی‌دهد. مهم‌ترین چالش برای سیاست‌گذاران در طراحی سیاست‌های فقرزدا، ایجاد ارتباط بین حوزه‌های کلان و خرد اقتصادی است. عدم هماهنگی میان این دو، مانع از اثرگذاری سیاست مربوطه می‌گردد.

باتوجه به این که رابطه مستقیمی بین رشد اقتصادی و تغییرات فقر قابل تعریف نیست و لزوماً رشد اقتصادی کاهش فقر را به همراه نخواهد داشت، تأثیرپذیری فقر از سیاست‌گذاری‌های مختلف رشد اقتصادی با توجه به تأثیرات متفاوتی که بر روی توزیع درآمد خانوارها دارد یکسان نیست. رشد اقتصادی در کاهش فقر شرط لازم و کافی نیست، بنابراین با توجه به آن که کاهش فقر به رشد اقتصادی و توزیع درآمدها وابسته است، لازم است با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر بخش اقتصادی سیاست‌هایی در جهت کاهش فقر تعریف گردد. چون ویژگی‌های متفاوت بخش‌های اقتصادی مختلف و گستردگی نابرابری اولیه بین آن‌ها باعث تأثیر متفاوت رشد اقتصادی بر کاهش فقر می‌شود.

کاهش فقر به عنوان نخستین هدف از مجموعه اهداف توسعه هزاره (MDGs)^۱ بزرگ‌ترین چالش جهانی است. در نیمه دوم قرن بیستم کشورهایی که توانسته‌اند فقر را کاهش دهند همان‌هایی هستند که از تداوم رشد در بلندمدت سود بردند؛ اما تلاش بر آن است که فقر را در کوتاه‌مدت نیز کاهش یابد. در ایران نیز برای از بین بردن این معضل در برنامه‌های توسعه طرح

1. Millennium Development Goals

ساماندهی اقتصادی، راهکارهایی مورد بررسی بوده است و لایحه فقرزدایی بارها تهیه شده، اما یک از این کارها تاکنون به برنامه مدون و مؤثر عملیاتی تبدیل نشده است.

نظر به این که منابع سرمایه در هر کشور با محدودیت‌هایی مواجه است، از این رو دست‌یابی به اهداف توسعه‌ای همچون افزایش رشد اقتصادی و کاهش فقر نیازمند تمرکز بر بخش‌های اقتصادی خاصی می‌باشد تا با سرمایه‌گذاری در آن بخش‌ها از توانمندی بیشتری جهت تحقق این اهداف برخوردار باشد.

در مطالعه حاضر تلاش دست‌یابی به این مهم است که هر یک از ده استان منتخب با سرمایه‌گذاری در کدام‌یک از سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات قادر خواهد بود در کار دست‌یابی به رشد اقتصادی به نسبت بیشتری فقرا را منتفع سازند. بدین منظور ابتدا به مروری بر موضوع و تحقیقات انجام شده پرداخته، سپس روش تحقیق ذکر و مدل معرفی می‌شود، در بخش چهارم نتایج کمی آزمون‌ها و در بخش پنجم نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری

مسئله فقر و فقرزدایی همواره مورد توجه ملل بوده است و این پدیده در دنیاک که یکی از معضلات جامعه بشری است، تاکنون نه تنها تحت کنترل در نیامده است بلکه به طور مداوم با پیشرفت‌های جوامع بشری، در عرصه‌های مختلف از جمله اقتصاد شدت یافته است (زروکی و شهمیری شورمستی، ۱۳۹۱؛ ۲۲۵).

با توجه به ضرورت مقابله با بحران فقر می‌باید از دو جنبه نظری و عملی این موضوع موردنبررسی و ارزیابی قرار گیرد. از جنبه نظری باید فقر و مؤلفه‌های آن به دقت تعریف و شناسایی گردند و از جنبه عملی باید بتوان میزان فقر در کشور یا جامعه تحت بررسی مورداندازه گیری قرار گیرد (خدادادکاشی و همکاران، ۱۳۸۱؛ ۹).

تصمیم‌گیری برای مبارزه با فقر و تخصیص اعتبار برای کاهش فقر به شاخص انتخابی برای اندازه‌گیری فقر و نحوه محاسبه خط فقر وابسته است. بر این اساس شناخت انواع خط فقر و ویژگی‌های هر یک از آن‌ها در تصمیم سازی و تصمیم‌گیری بسیار تأثیرگذار می‌باشد. پس از

توافق راجع به مفهوم فقر و شاخص فقر می‌باید با استفاده از داده‌های مربوطه اقدام به اندازه‌گیری فقر نمود. در ادامه مفهوم فقر، خط فقر و تعاریف آن‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری فقر ارائه می‌شود.

سال‌هاست اقتصاددانان در تعریف فقر به استانداردهای قابل قبول همگان، دست نیافهاند و اختلاف نظر بین پژوهشگران همچنان وجود دارد. بوت و راونتری^۱ دو نفر از پیشگامان مطالعات فقر در کشور انگلستان در اوخر قرن نوزدهم سعی کردند تعریف مناسبی از فقر ارائه دهند. این دو تلاش کردند که بین فقر مطلق و فقر نسبی تمایز قائل شوند. فقر مطلق یک موضوع عینی است و متنضم تعریف علمی که بر پایه حداقل معاش شکل‌گرفته، می‌باشد و منظور حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است. به این ترتیب فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد، توان لازم را برای ادامه زندگی نخواهد داشت. بنابراین تعریف، فقر مطلق بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد. برای این کار لازم است مشخص گردد، مردم به چه چیز نیاز دارند و با دسترسی به چه میزان از کالاهای خدمات مشکل فقر آن‌ها بر طرف خواهد شد. این نوع ایده از فقر مطلق یا حداقل معاش با آخرین کار بوت (۱۸۸۹) و راونتری (۱۹۰۱ و ۱۹۴۱) مرتبط است. در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که در آن داوری‌ها بر تعیین سطح فقر مؤثر است. فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. در فقر نسبی که به علت اختلاف شدید درآمدی است، فقر صرفاً ناشی از فقدان منابع جهت تأمین نیازهای اساسی نیست بلکه ناشی از کمبود منابع فرد جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه می‌باشد. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. اقتصاددانان توسعه از مفهوم فقر مطلق استفاده می‌کنند تا میزان حداقل مشخصی از درآمدهای لازم برای برآورده کردن

1. Booth and Rowntree

نیازهای مادی اساسی مثل؛ غذا، پوشাক و مسکن را به منظور اطمینان از معاش دائمی بیان دارند. با توجه به این که حداقل مقادیر معاش از کشوری تا کشور و از منطقه‌ای تا منطقه دیگر فرق می‌کنند و نمایانگر نیازهای مختلف روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی هستند، به مشکلات این تعریف پی می‌بریم (تودارو و اسمیت^۱، ۲۰۰۹: ۷۵). لذا تعریف فقر مدنظر در مطالعه حاضر تعریف فقر نسبی ارائه شده توسط بوت و روانتری می‌باشد.

خط فقر مخارجی است که یک فرد در زمان و مکان معین، برای دسترسی به سطحی از حداقل رفاه باید پردازد. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند. حال برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقیر بودن نیازمند تعیین یک آستانه هستیم که این آستانه خط فقر نامیده می‌شود (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱؛ ۱۷؛ راولیون، ۱۹۹۸؛ ۳). در اصطلاح ساده‌تر خط فقر میزان درآمدی است که خانوارها را در یک زمان و مکان معین به دو بخش فقیر و غیرفقیر تقسیم می‌کند (هارولد^۲، ۱۹۶۴: ۱۶). معیار ما برای اندازه‌گیری خط فقر در این مطالعه بر اساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارهاست؛ در این روش که بر پایه مفهوم فقر نسبی استوار است، ابتدا میانگین مخارج محاسبه می‌شود، سپس در مرحله بعد، ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج (البته تعیین این درصد به صورت اختیاری و تجربی است) به عنوان خط فقر در نظر گرفته می‌شود.

اندازه‌گیری تعداد و ترکیب فقیران در زیر خط فقر و تغییر و تحول آن در طول زمان کافی نیست زیرا شدت فقر و مطرح شدن نیازهای جدید در جوامع و برده‌های زمانی متفاوت است و علت این امر توزیع درآمد، مفهوم خط فقر، درآمد و هزینه متوسط فقیران و ترکیب فقیران است، لذا در اندازه‌گیری فقر شاخص‌هایی لازم است که نسبت به ویژگی‌های مطرح شده حساس باشد. شاخص‌های فقر گروه FGT (فوستر، گریر و توربک^۳) شامل گروهی از اندازه‌های فقر است که بر حسب اندازه پارامتر α شاخص‌های مختلفی را از فقر به دست می‌دهند، که جهت سنجش آثار

1. Todaro and Smith

2. Harold

3. Foster, Greer and Thorbecke

توزیعی و درآمدی بر فقر مناسب می‌باشند و بیانگر آن هستند که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان باهم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت. بر حسب نیاز و کاربردهای متفاوت می‌توان از شاخص‌های نسبت فقرا که کاربرد آن بیشتر در سنجش تعداد و نسبت فقراست، شاخص شکاف فقر که در عین سنجش فقر، می‌تواند شکاف گروه فقیر را نسبت به خط فقر مورد نظر سنجش کند و بالاخره شاخص شدت فقر که علاوه بر شکاف فقر، شدت شکاف را نیز از طریق وزن دهی به گروه‌های فقیر مدنظر قرار می‌دهد، استفاده نمود. شکل کلیتابع فوستر گریر توربک به صورت زیر می‌باشد:

$$P_\alpha = \int_0^z \left(\frac{z-x}{z}\right)^\alpha f(x) dx \quad , x \geq 0 \quad (1)$$

که در این تابع $f(x)$ تابع چگالی یا به عبارت ساده‌تر نسبتی از جمعیت با درآمد x است، α پارامتر توزیع، z خط فقر و x نشان‌دهنده درآمد می‌باشد. هرچه قدر که α بزرگ‌تر باشد، شاخص حاصل نسبت به نابرابری درآمدی فقرا حساس‌تر خواهد بود (فوستر و همکاران، ۱۹۴۸، ۶۷۰) شاخص وات: این شاخص توسط وات در سال ۱۹۶۸ تعریف شده است که تابع لگاریتمی از نسبت خط فقر به درآمد می‌باشد:

$$W = \int_0^H \log \frac{z}{x(p)} dp \quad (2)$$

که در آن z خط فقر و (p) درآمد کوانتل^۱ P است.^۲ این شاخص برخلاف تابع فوستر گریر توربک که مقداری بین صفر و یک دارد، لزوماً کوچک‌تر از یک نیست. مطالعات مختلفی در خصوص چگونگی کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه انجام شده است که در اغلب آن‌ها رشد اقتصادی به عنوان راه حل اصلی کاهش فقر مورد تأکید قرار گرفته

1. quantile

۲. میزان درآمدی است که به نسبت P از افراد جامعه درآمدی کمتر یا مساوی با آن دارند.

است (راولیون و چن^۱، ۲۰۰۵). اما نابرابری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی باعث طرح این سؤال می‌گردد که آیا فقرا همواره از رشد اقتصادی منتفع می‌شوند؟ گرچه گروهی از اقتصاددانان معتقدند که فقرا به طور خودکار از رشد اقتصادی منتفع می‌گردند لیکن گروهی کثیری بر این باورند که رشد اقتصادی به تنها یی برای از بین بردن فقر کافی نیست و چگونگی توزیع منافع رشد نیز دارای اهمیت است. گرچه فقر و نابرابری دو پدیده کاملاً متفاوت‌اند اما به شدت به هم مربوط هستند. در راستای رسیدن به کاهش فقر، نابرابری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه رشد اقتصادی به طور غیرمستقیم نیز بر فقر تأثیر می‌گذارد که این اثر از طریق توزیع درآمدها می‌باشد، چنان‌که در سطح معینی از میانگین درآمدها، نابرابری بیشتر به نوعی فقر بالاتری را ایجاد می‌کند و در سطح معینی از نرخ رشد اقتصادی، نابرابری بیشتر منجر به نرخ کاهش فقر کمتری خواهد شد (لوپز^۲، ۲۰۰۵). موفق‌ترین کشورهای آسیای شرقی در زمینه کاهش فقر نشان دادند که رشد سریع همراه با نابرابری اولیه پایین و تغییر توزیعی فقرزدا می‌تواند فقر را به مقدار قابل توجهی کاهش دهد، چون نابرابری درآمدی سرعتی که رشد اقتصادی به کاهش فقر تبدیل می‌شود را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ و چهبسا گاه مانع از کاهش فقر و یا حتی باعث افزایش آن می‌گردد. در صورتی که اگر منافع رشد برای فقرا بیش از اغایا باشد، آنگاه می‌توان انتظار داشت فقر بیشتر کاهش یابد. به عبارت دیگر، با کاهش نابرابری رشد اقتصادی منجر به کاهش بیشتری در فقر می‌شود. در واقع رشد اقتصادی، در صورت کاهش نابرابری در مقایسه باحالته که نابرابری تغییری نداشته باشد، به میزان بیشتری باعث کاهش فقر خواهد شد؛ بنابراین تغییر در نابرابری می‌تواند به تغییر معنادار در فقر تبدیل شود و نابرابری اولیه در دارایی، به زیان فقراست و در افزایش فقر مؤثر واقع می‌شود. از این‌رو پایین بودن نابرابری اولیه، احتمال بهره‌مندی فقرا از رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد (بیگستان و لوئین^۳، ۲۰۰۰).

1. Ravallion and Chen

2. Lopez

3. Bigsten and Levin

حال با توجه به اینکه پی بردن به اثرات رشد اقتصادی بر فقر نیازمند تفکیک اثرات رشد اقتصادی بر درآمد و نابرابری درآمدی است، لازم است که تغییر در شاخص فقر به تغییر در دو جزء تغییرات میانگین درآمد و تغییرات نابرابری درآمدی تجزیه شود. تغییر در اجزای مذکور نشان‌دهنده حساسیت اندازه فقر نسبت به تغییرات درآمد متوسط و نابرابری درآمدی است. لذا می‌توان اثر رشد اقتصادی بر فقر را از این دو مجرأ بررسی کرد: اثر مستقیم یا اثر درآمدی و اثر غیرمستقیم یا اثر توزیعی که از مسیر تغییر در توزیع درآمد واقع می‌گردد.

۳. پیشینه تحقیق

بزلی و همکاران^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی سیاستی فقر و رشد در هند» به بررسی موقفيت‌ها و شکست‌های ایالت‌های مختلف هند در دستیابی به رشد و کاهش فقر پرداخته‌اند. در این مطالعه دو شاخص سرشمار فقر شامل؛ «شاخص نابرابری به صورت انحراف استاندارد از لگاریتم درآمد» و «شاخص لگاریتم درآمد سرانه» بین سال‌های ۱۹۵۸-۲۰۰۰ برای ۱۶ ایالت هند محاسبه شده و با استفاده از برازش الگوی رگرسیونی به بیان ارتباط بین فقر و رشد می‌پردازد. این مطالعه به این نتیجه دست‌یافته است که ایالت‌هایی که از شرایط حساب پذیری، محیط سرمایه‌گذاری تجاری، دسترسی به منابع مالی، دسترسی به سرمایه انسانی، توسعه حقوق مالکیت فقرا و ورود زنان به فرایند رشد اقتصادی برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند درزمینه‌ی کاهش فقر موفق‌تر عمل کنند.

کاکوانی و سان^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «نرخ رشد معادل فقر» با استفاده از داده‌های سال ۱۹۵۵-۲۰۰۵ نرخ رشد معادل فقر را در کشور بزریل موردمحاسبه قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که طی دوره تحت بررسی در این کشور نرخ رشد درآمد سرانه تقریباً ثابت بوده است و بعداز آن نرخ رشد افزایش یافته است در این مطالعه با استفاده از شاخص PEGR چگونگی توزیع منافع حاصل از رشد و چگونگی توزیع زیان حاصل از رکود با استفاده از

1. Besley et al.

2. Kakwani and Son

شاخص‌های فوستر، گریر و توربک بررسی شده است، نتایج حاکی از آن است که الگوی رشد در دو سال اول دوره تحت بررسی در برزیل به زیان فقرا عمل کرده است، اما پس از آن از سال ۱۹۵۷ تا ۲۰۰۵ به نفع فقرا بوده است.

زمان^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «منحنی شدت فقر» به ارائه شاخص جدیدی برای اندازه‌گیری رشد فقرزدا می‌پردازد. وی معتقد است در کشورهای بسیار ضعیف رشد فقرزدا با شاخص‌هایی که در ادبیات‌های پیشین این موضوع آمده است به خوبی اندازه‌گیری نمی‌شود و در چنین کشورهایی لازم است از شاخص جدیدی که در این مطالعه معرفی شده است استفاده شود. در این شاخص به جای کشش فقر نسبت به رشد اقتصادی از مربع آن استفاده می‌شود و مربع کشش فقر نسبت به نابرابری نیز جایگزین کشش فقر نسبت به نابرابری می‌گردد. مزایای این روش آن است که اثر جهش‌های ناگهانی نرخ رشد را کاهش داده و شدت نابرابری را نیز منعکس می‌کند. وی بر این باور است که این روش محاسبه رشد فقرزدا در کشورهای ضعیف می‌تواند بسته‌های سیاستی مناسب‌تری را نسبت به شاخص‌های پیشین ارائه دهد.

ragher و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران» به بررسی پدیده فقر طی برنامه اول تا چهارم توسعه می‌پردازند. بدین منظور کشش‌های فقر نسبت به رشد اقتصادی و نابرابری محاسبه می‌شود و درنهایت چگونگی توزیع منافع ناشی از رشد به کمک شاخص نرخ رشد معادل فقر کاکوانی و سان (۲۰۰۸) مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد از هر ده نفر طی دوره سه نفر زیر خط فقر به سر برده است. شاخص‌های مربوط به شدت و شکاف فقر نیز بسیار مشابه شاخص سرشمار فقر حرکت کرده‌اند. به طور متوسط طی سی سال تحت بررسی نسبت فقرا حدود ۳۰٪ بوده است. اثر خالص رشد بر فقر منفی بوده اما اثر خالص نابرابری بر فقر دارای نوسانات مثبت و منفی بوده است که توسط تحولات سیاسی و اقتصادی ایران طی دوره مورد بررسی توجیه شده و با محاسبه شاخص نرخ رشد معادل فقر برای برنامه‌های اول تا چهارم اقتصادی اجتماعی ایران به این نتیجه

1. Zaman

دست یافته‌اند که علی‌رغم وجود برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور سیاست اثربخشی برای دست یابی به رفاه و آسایش مستمر دنبال نشده‌است. به عبارت دیگر طی دوره مطالعه برنامه منسجمی برای کاهش فقر و نابرابری در کشور وجود نداشته است.

ابونوری و قادر عباسی در سال ۱۳۸۶ طی مطالعه‌ای تحت عنوان «برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران» با تفکیک اثر رشد اقتصادی بر فقر به دو عامل درآمدی و توزیعی، اثر رشد بر فقر را در ایران اندازه‌گیری کرده‌اند. در این بررسی برآورد اثر خالص رشد اقتصادی بر فقر در ایران به تفکیک دوره ۱۳۶۷-۱۳۶۱ برنامه اول توسعه، ۱۳۷۸-۱۳۷۴ برنامه دوم توسعه و ۱۳۸۱-۱۳۷۹ بخشی از برنامه سوم توسعه انجام شده است. برای این منظور از مدل کاکوانی، خاندکر و سان استفاده شده است که این مدل مکمل کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) است. بر این اساس با استفاده از اثرات رشد و نابرابری خالص، کشش‌های اثرات رشد و نابرابری خالص و کشش فقر به تفکیک شاخص‌های مختلف فقر برآورد و سرانجام چگونگی اثر رشد بر فقر در دوره‌های موردمطالعه به تفکیک مناطق شهری و روستایی ایران مشخص شده است. نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که طی دوره ۱۳۶۷-۱۳۶۱ فقر افزایش یافته است و با تجزیه فقر مشخص گردیده است که کاهش در نابرابری موجب تخفیف فقر ناشی از رکود شده است، یعنی کاهش سهم خانوارهای پردرآمد به صورت نسبی بیشتر از کاهش سهم خانوارهای پردرآمد بوده است، گرچه فقر در طول این دوره افزایش یافته است، اما خانوارهای فقیر در مقایسه با دیگران کمتر آسیب دیده‌اند. در دوره‌های دیگر فقر در مناطق شهری کاهش یافته است، با تجزیه فقر در این دوره‌ها مشخص شد که رشد سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد گشته است اما میزان آن به حدی نبوده است که اثر مفید رشد کاملاً خنثی گردد. رشد در مناطق روستایی در دوره دوم و سوم سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد شده است. میزان نابرابری به حدی افزایش یافته است که اثر رشد را کاملاً خنثی کرده است و باعث افزایش فقر در دوره سوم شده است. در دوره چهارم در مناطق روستایی رشد با کاهش در نابرابری توأم شده است. درمجموع نتایج تحقیق حاکی از آن است که طی برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی اول، دوم و سوم رشد ناچیز اقتصادی در ایران به استثنای برنامه سوم در سایر

دوره‌ها فقرزدا نبوده است. به عبارت دیگر افزایش سهم خانوارهای پردرآمد به صورت نسبی همواره بیشتر از افزایش سهم خانوارهای کم درآمد بوده است. بر اساس نتایج تحقیق رشد اقتصادی از یک طرف باعث کاهش فقر و از طرف دیگر موجب تغییر در نابرابری توزیع درآمد می‌گردد. فقر با رشد اقتصادی رابطه معکوس و با نابرابری رابطه مستقیم دارد. افزایش در نابرابری موجب شده است تا از تأثیر رشد اقتصادی بر فقر کاسته شود. ازین‌رو می‌توان گفت اتخاذ سیاست‌های ترکیبی شامل رشد و تعدیل در نابرابری در کاهش بیشتر فقر و افزایش سهم فقر از رشد اقتصادی مؤثرتر خواهد بود.

۴. الگوی تحقیق

با توجه به مبانی نظری و تجربی، هر شاخص فقر را می‌توان تابعی از پارامترهای مختلف مثل خط فقر، میانگین درآمد سرانه و شاخص توزیع در نظر گرفت، بدیهی است که تغییر هر یک از این پارامترها منجر به تغییر شاخص موردنظر خواهد شد. در این تخمین اگر θ شاخص فقر موردنظر باشد:

$$\theta = f(z, \mu_i, m) \quad (3)$$

که z نماد خط فقر، μ_i میانگین درآمد استان موردنظر و پارامتر m میان پارامتر نابرابری می‌باشد.

تغییرات این شاخص‌ها در حالت کلی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$d\theta = \frac{\partial \theta}{\partial \mu} d\mu + \frac{\partial \theta}{\partial m} dm \quad (4)$$

نظر به این که هر کدام از شاخص‌های اندازه‌گیری فقر معايب و مزایای خاص خود را دارند، لذا ما برای پوشش دادن معايب آن‌ها و بالا بردن دقت کار فقر را از طریق چهار شاخص به شکل زیر محاسبه خواهیم کرد:

اگر q تعداد افراد فقیر و n جمعیت کل افراد جامعه باشد، آنگاه شاخص نسبت افراد فقیر به صورت زیر برآورد می‌شود:

$$H = \frac{q}{n} \quad (5)$$

و برای محاسبه شاخص نسبت شکاف درآمدی در جامعه موردنبررسی به شیوه زیر عمل می‌کنیم:

$$PG = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z - x_i}{z} \right) \quad (6)$$

همچنین برای محاسبه شاخص مربع شکاف درآمدی در جامعه موردنظر از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$SPG = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z-x_i}{z} \right)^2 \quad (7)$$

همین طور برای محاسبه شاخص وات در جامعه از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$W = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \log \left(\frac{z}{x_i} \right) \quad (8)$$

اگر شاخص کلی فقر را به صورت زیر نشان دهیم:

$$\theta = \theta(z, \mu, L(P)) \quad (9)$$

که در این رابطه z خط فقر μ میانگین درآمدها و $L(P)$ منحنی لورنزاشد.

آنگاه در صورتی که توزیع درآمد در سال اول با میانگین درآمد μ_1 و منحنی لورنزا $L_1(P)$ و در سال آخر با میانگین درآمد μ_2 و منحنی لورنزا $L_2(P)$ باشد، P_{12} نشان‌دهنده تغییرات فقر بین

دو دوره خواهد بود، که به شکل زیر محاسبه می‌شود:

$$P_{12} = \ln[\theta(z, \mu_2, L_2(P))] - [\theta(z, \mu_1, L_1(P))] \quad (10)$$

حال با توجه به تغییرات فقر بین دو دوره، کشش کل فقر را می‌توان به صورت زیر برآورد کرد:

$$\delta = \frac{\ln[\theta(z, \mu_2, L_2(P))] - [\theta(z, \mu_1, L_1(P))]}{\gamma} \quad (11)$$

در این معادله γ نشان‌دهنده نرخ رشد میانگین درآمد است و به طریق زیر محاسبه می‌شود:

$$\gamma = \ln(\mu_2) - \ln(\mu_1) \quad (12)$$

با توجه به روش تجزیه فقر کاکوانی (۲۰۰۰) می‌توان کشش کل فقر نسبت به رشد اقتصادی را به کشش درآمدی و کشش توزیعی تقسیم کرد. که مجموع آن دو با کشش کل برابر است:

$$\delta = \rho + \varphi \quad (13)$$

که در این معادله ρ کشش درآمدی و φ کشش توزیعی می‌باشند. که در ادامه به هر یک از آن دو خواهیم پرداخت.

نسبت تغییر در فقر بین دو دوره، زمانی که میانگین درآمد تغییر کند ولی توزیع نسبی درآمد ثابت باقی بماند، اثر رشد خالص را نشان می‌دهد که از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$G_{12} = \frac{1}{2} [\ln(\theta(z, \mu_2, L_1(P)) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P)) + \ln(\theta(z, \mu_2, L_2(P)) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_2(P))] \quad (14)$$

می‌توانیم کشش درآمدی را با استفاده از اثر رشد خالص، مشابه با کشش کل فقر نسبت به رشد، به شکل زیر به دست آوریم:

$$\rho = \frac{\frac{1}{2} [\ln(\theta(z, \mu_2, L_1(P)) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P)) + \ln(\theta(z, \mu_2, L_2(P)) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_2(P)))]}{\gamma} \quad (15)$$

کشش درآمدی میزان تغییرات اعمال شده بر فقر در اثر یک واحد تغییر در میانگین درآمدهاست زمانی که توزیع نسبی درآمد که توسط منحنی لورنز اندازه‌گیری می‌شود ثابت باشد. طبق مطالعه کاکوانی این کشش همواره منفی است چون با ثابت ماندن توزیع درآمد رشد مثبت همواره فقر را کاهش می‌دهد.

اثر نابرابری خالص، نسبت تغییر در فقر است زمانی که توزیع درآمد تغییر کند ولی میانگین درآمد ثابت باقی بماند، که به شکل زیر محاسبه می‌شود:

$$I_{12} = \frac{1}{2} [\ln(\theta(z, \mu_1, L_2(P)) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P)) + \ln(\theta(z, \mu_2, L_2(P)) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P))] \quad (16)$$

حال با به دست آوردن اثر توزیعی خالص، قادر خواهیم بود کشش توزیعی فقر را با استفاده از رابطه زیر محاسبه کنیم:

$$\varphi = \frac{\frac{1}{2} [\ln(\theta(z, \mu_1, L_2(P)) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P)) + \ln(\theta(z, \mu_2, L_2(P)) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P)))]}{\gamma} \quad (17)$$

کشش توزیعی میزان تأثیر رشد اقتصادی بر فقر در اثر یک واحد تغییر در توزیع نسبی درآمد است زمانی که میانگین درآمدها ثابت باشد. علامت این کشش می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

با استفاده از کشش‌های توزیعی و درآمدی می‌توان به محاسبه شاخص رشد فقرزدای PPGI پرداخت که یکی از مهم‌ترین راه‌های تعیین فقرزدا بودن رشد اقتصادی است، زمانی که رشد درآمدها مثبت باشد. این شاخص به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$\phi = \frac{\delta}{\rho} \quad (18)$$

اگر مقدار شاخص رشد فقرزدا بزرگ‌تر از یک باشد می‌توان گفت جامعه تحت بررسی، رشد فقرزدا داشته است، بدین معنا که هر دو اثر توزیعی و درآمدی موجب کاهش فقر شده‌اند. اما اگر مقدار شاخص بین صفر و یک باشد حاکی از آن است که جامعه رشد سریز را تجربه کرده است. در این حالت رشد موجب کاهش فقر شده اما وضعیت توزیع درآمدها به زیان فقرا عمل کرده است، با این وجود درمجموع فقر کاهش یافته است. اما چنانچه شاخص رشد فقرزدا منفی باشد هر دو اثر توزیعی و درآمدی به زیان فقرا بوده‌اند و فقر افزایش پیداکرده است.

در صورتی که رشد میانگین درآمدها منفی باشد شاخص PPGI به شکل زیر محاسبه می‌شود:

$$\phi = \frac{\delta}{|\mu|} \quad (19)$$

در این حالت اگر شاخص رشد فقرزدا مثبت باشد فقر کاهش پیداکرده و اگر منفی باشد فقر بیشتر شده است.

۵. برآورد تحقیق

در محاسبه تابع فقر یکی از متغیرهای موردنیاز خط فقر می‌باشد. با توجه به آن که خط فقر نسبی برخلاف خط فقر مطلق علاوه بر رشد اقتصادی تحت تأثیر توزیع درآمد نیز قرار می‌گیرد، این نوع از خط فقر برای دست‌یابی اهداف این مطالعه اطلاعات بهتری را منعکس می‌کند. لذا در جدول ذیل خط فقر نسبی بر اساس ۶۶٪ میانگین درآمد جامعه برای استان‌های موردنبررسی به تفکیک مناطق شهری و روستایی به قیمت پایه سال ۹۰ گزارش شده است.

جدول ۱. خط فقر استانی در مناطق شهری و روستایی به قیمت پایه سال ۹۰ (واحد: ریال)

استان	مناطق	خط فقر
آذربایجان شرقی	شهری	۴۰۱۳۱۶۷۹/۶۶
	روستایی	۲۸۶۵۲۴۴۶/۸
اصفهان	شهری	۵۱۷۱۹۷۸۴/۴۳
	روستایی	۳۶۸۹۳۹۷۷/۰۳
تهران	شهری	۶۲۵۵۳۰۸۳/۵۵
	روستایی	۳۳۰۲۱۱۲۸/۳۸
خراسان رضوی	شهری	۳۸۳۱۰۰۰۳/۹
	روستایی	۲۰۹۳۶۹۴۴.۳۶
خوزستان	شهری	۴۱۸۶۶۸۹۴/۷۱
	روستایی	۲۶۹۰۱۳۹۶/۳۱
سیستان و بلوچستان	شهری	۲۷۵۴۸۵۷۸/۹۸
	روستایی	۱۴۴۶۶۰۴۹/۴۵
فارس	شهری	۵۴۱۲۵۶۷۳/۴۴
	روستایی	۳۶۱۷۸۲۵۷/۷۵
کرمانشاه	شهری	۴۶۳۲۰۳۵۵/۶۷
	روستایی	۲۹۷۱۱۳۶۳/۵۴
مازندران	شهری	۴۴۲۹۲۷۳۲/۲۶
	روستایی	۳۵۹۸۱۴۶۴/۸۳
مرکزی	شهری	۵۲۲۰۴۶۶۷/۴۷
	روستایی	۳۴۵۵۲۶۹۴/۱۸

مأخذ: نتایج تحقیق

چنان‌که ملاحظه می‌شود در تمامی ده استان تحت بررسی، خط فقر روستایی کم‌تر از خط فقر شهری می‌باشد که این خود با توجه به پایین بودن هزینه‌های زندگی روستایی نسبت به سکونت در شهرها قابل توجیه است. همین‌طور استان تهران با خط فقری معادل ۶۲۵۵۳۰۸۳/۵۵ در مناطق شهری و ۳۳۰۲۱۱۲۸/۳۸ در مناطق روستایی از بالاترین میزان خط فقر در هر دو منطقه در بین استان‌های مورد بررسی بدخوردار است که کمترین میزان خط فقر نیز هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی متعلق به استان سیستان و بلوچستان می‌باشد که به ترتیب ۲۷۵۴۸۵۷۸/۹۸ و ۱۴۴۶۶۰۴۹/۴۵ می‌باشند.

جدول ۲. اثرهای درآمدی، توزیعی و کل در استان‌های منتخب بر حسب میانگین چهار شاخص فقر

استان	بخش اقتصادی	مناطق			
		شهری		روستایی	
آذربایجان شرقی	خدمات	اثر کل	اثر توزیعی	اثر درآمدی	اثر کل
		-۰/۱۵۹۰۶	-۱/۱۵۸۸	۰/۹۹۹۷۴۶	-۰/۹۶۹۸۵
		-۰/۰۹۲۲۹۵	-۰/۰۵۴۹۴۸	۰/۰۶۴۱۷۷۱	-۰/۰۳۹۳۷۵۸
		۰/۰۹۶۴۴۴	-۰/۰۶۳۱۷۶	۰/۰۷۲۸۲۰۲	-۰/۰۲۰۳۷۱۶
		-۰/۰۷۳۱۳۶	-۰/۰۸۳۳۳۲	۰/۰۱۰۱۹۵۴	-۰/۰۲۶۰۸۵
		-۰/۰۲۷۱۶۱	-۰/۰۵۵۸۹۶	۰/۰۲۸۷۳۵۳	-۰/۰۹۷۸۰۶
		-۰/۰۸۶۸۶۱	-۰/۰۷۷۱۳۴	-۰/۰۹۷۲۷	-۰/۰۲۷۰۲۲
اصفهان	خدمات	-۰/۰۷۴۱۵۴	-۰/۰۸۶۱	۰/۰۱۱۹۴۶	-۰/۰۳۴۱۷۷۳
		-۰/۰۱۰۹۸۶	-۰/۰۶۶۲۹۳	-۰/۰۵۷۳۰۷	-۰/۰۹۰۲۷۸۵
		۰/۰۷۲۷۷۷۳	-۰/۰۴۱۶۴۵	۱/۰۱۴۴۲۲۵	-۰/۰۶۱۸۹۹
		-۰/۰۶۴۱	-۰/۰۹۵۶۳	-۰/۰۸۹۲۱۹۶	-۰/۰۶۲۰۹۵
		-۰/۰۱۲۱۰۰۳	-۰/۰۳۳۷۰۵	-۰/۰۴۵۸۰۴۹	-۰/۰۱۲۶۳۷۷
		-۰/۰۳۷۲۸۴۹	-۰/۰۲۱۷۵۵	-۰/۰۵۹۰۳۹۶	-۰/۰۱۱۴۴۸
تهران	خدمات	-۰/۰۴۱۱۹۱	-۰/۰۱۶۰۴۶۸	-۰/۰۵۷۲۳۸	-۰/۰۵۲۱۰۷
		-۰/۰۲۷۳۸۰۷	-۰/۰۱۶۰۹۳	-۰/۰۴۳۴۷۳۹	-۰/۰۱۷۱۴۹۹
		-۰/۰۲۹۴	-۰/۰۰۰۷۴	-۰/۰۲۹۳۲۶	-۰/۰۴۰۸۵۶
		-۰/۰۳۶۸۰۲۴	-۰/۰۲۱۴۹۶	-۰/۰۵۸۲۹۸۶	-۰/۰۱۷۵۳
		-۰/۰۴۶۹۳۰۷	-۰/۰۳۳۸۱۴	-۰/۰۸۰۷۴۴۴	-۰/۰۶۱۹۲۵
		-۰/۰۴۶۹۳۰۷	-۰/۰۳۳۸۱۴	-۰/۰۸۰۷۴۴۴	-۰/۰۱۸۱۷۸۷
فارس	خدمات	-۰/۰۸۷۲۰۷	-۰/۰۸۹۰۳۸	-۰/۰۱۰۱۸۰۶	-۰/۰۷۹۳۴۴
		-۰/۰۳۷۰۲۱	-۰/۰۵۲۰۷۶	-۰/۰۱۵۰۵۴۵	-۰/۰۰۲۸۳۵۷
		-۰/۰۵۹۲۸۳	-۱/۰۲۳۷۵۷	-۰/۰۴۴۴۷۳۴	-۰/۰۱۰۸۷۳۲
		-۰/۰۷۴۴۲۱	-۲/۰۶۲۸۸۸	۱/۰۸۸۲۵۶۲	-۰/۰۵۵۲۶۹
		-۰/۰۲۴۷۱۷۶	-۰/۰۸۴۰۳۹	۱/۰۰۸۷۵۶۵	-۰/۰۶۲۰۳۳۶
		-۰/۰۱۶۹۹۸	-۱/۰۵۶۵۲	۱/۰۳۹۵۲۱۷	-۰/۰۷۳۱۲۲۷
مازندران	خدمات	-۰/۰۱۵۰۴۵۷	-۰/۰۷۰۱۳۴	-۰/۰۱۹۶۷۶۶	-۰/۰۹۳۲۶۷
		-۰/۰۱۴۳۰۵۹	-۰/۰۰۰۰۲۷	-۰/۰۴۳۰۸۶۵	-۰/۰۳۳۳۳۵۵
		-۰/۰۲۲۰۶۱۹	-۰/۰۰۰۰۴۸	-۰/۰۲۲۰۱۳۸	-۰/۰۴۴۵۳۱
		-۰/۰۲۰۵۴۷۸	-۰/۰۲۶۸۳	-۰/۰۴۷۳۷۸	-۰/۰۲۹۶۷۹
		-۰/۰۳۷۱۰۰۲	-۰/۰۱۰۴۶۸	-۰/۰۴۱۷۸۰۵	-۰/۰۴۱۶۸۱۲
		-۰/۰۴۷۱۵۹	-۰/۰۴۶۲۹۳	-۰/۰۹۳۴۵۲۱	-۰/۰۸۰۲۱۴۶
سیستان و بلوچستان	خدمات	-۰/۰۶۲۱۸۷	-۰/۰۳۱۰۸	-۰/۰۹۳۲۶۷	-۰/۰۳۱۰۸
		-۰/۰۶۳۳۵۹۲	-۰/۰۳۰۰۲۴	-۰/۰۴۰۰۲۴	-۰/۰۴۰۰۰۹۵
		-۰/۰۴۰۴۰۹۱	-۰/۰۴۱۲۱۹	-۰/۰۴۱۲۱۹	-۰/۰۴۰۰۹۱
		-۰/۰۵۵۷۲۸۴	-۰/۰۲۶۰۴۹	-۰/۰۲۶۰۴۹	-۰/۰۵۵۷۲۸۴
		-۰/۰۴۴۸۹۸۵	-۰/۰۰۳۲۱۷	-۰/۰۰۳۲۱۷	-۰/۰۴۴۸۹۸۵
		-۰/۰۸۰۴۱۹۱	-۰/۰۲۰۰۰۴	-۰/۰۲۰۰۰۴	-۰/۰۸۰۴۱۹۱

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۳. کشش‌های درآمدی، توزیعی و کل در استان‌های منتخب بر حسب میانگین چهار شاخص فقر

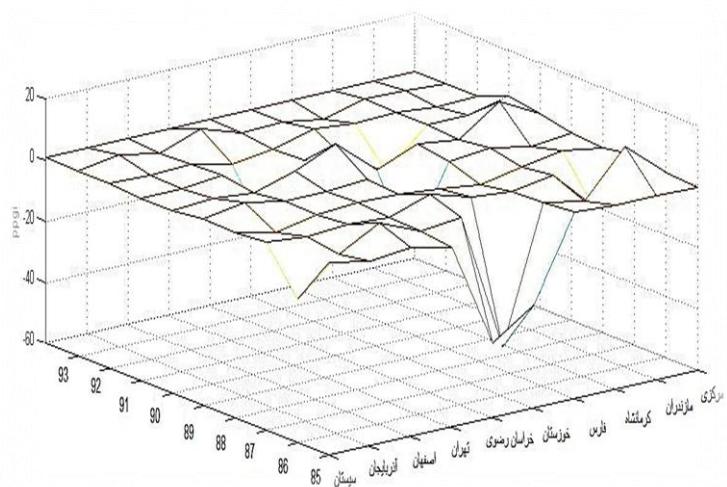
نام	بخش اقتصادی	مناطق				روستایی				شهری			
		کشش درآمدی	کشش توزیعی	کشش کل	رشد	کشش درآمدی	کشش توزیعی	کشش کل	رشد	کشش درآمدی	کشش توزیعی	کشش کل	رشد
خدمات	خدمات	-۰/۱۹۵۳	-۰/۵۳۸۶۲۲	۳/۹۲۴۱۲۸	-۳/۳۸۸۵۱	-۰/۲۱۶۵۳۵	-۴/۴۷۸۹۶	-۲/۵۲۴۲	-۱/۹۵۴۶۷	-۰/۲۱۶۵۳۵	-۴/۴۷۸۹۶	-۲/۵۲۴۲	-۱/۹۵۴۶۷
صنعت	صنعت	-۰/۲۱۰۶	-۰/۴۳۹۳۸	۲/۶۱۵۸۶۳	-۳/۰۵۵۲۴	-۰/۲۲۲۸۹	-۱/۷۶۸۱۸	-۰/۴۸۱۱۶۱	-۲/۲۴۹۳۴	-۰/۲۲۲۸۹	-۱/۷۶۸۱۸	-۰/۴۸۱۱۶۱	-۲/۲۴۹۳۴
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۲۰۴۶۸	-۰/۴۷۱۲	۳/۰۸۶۵۸۴	-۳/۰۵۵۷۷۸	-۰/۰۰۸۹۴	-۲۲/۷۹۲۹	-۲۰/۸۳۲۶	-۱/۹۶۰۲۹	-۰/۰۰۸۹۴	-۲۲/۷۹۲۹	-۲۰/۸۳۲۶	-۱/۹۶۰۲۹
خدمات	خدمات	-۰/۰۳۸۲۵	۱۹/۱۱۹۶۸	۲۱/۷۸۵۰۲	-۲/۶۸۵۳۵	-۰/۴۰۷۱۴	۰/۶۴۰۶۷۸	۳/۰۷۴۹۳۲	-۲/۴۳۴۲۵	-۰/۰۳۸۲۵	۱۹/۱۱۹۶۸	۲۱/۷۸۵۰۲	-۲/۶۸۵۳۵
صنعت	صنعت	-۰/۱۱۲۴۶	۲/۴۱۰۲۳۱	۴/۹۷۰۴۷۶	-۲/۰۵۵۰۲۴	-۰/۱۵۵۴۶	-۱/۷۶۳۰۴	۰/۷۷۶۶۹۷	-۲/۰۵۳۹۷۴	-۰/۱۱۲۴۶	۲/۴۱۰۲۳۱	۴/۹۷۰۴۷۶	-۲/۰۵۵۰۲۴
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۰۳۸۲۲۷	-۲۲/۷۲۲۱	-۰/۰۱۷۷۷	-۲/۰۵۴۴۷	-۰/۲۰۱۵۷	-۱/۳۴۰۵۹	۰/۵۰۸۲۵۷	-۱/۸۴۸۹۴	-۰/۰۳۸۲۲۷	-۲۲/۷۲۲۱	-۰/۰۱۷۷۷	-۲/۰۵۴۴۷
خدمات	خدمات	-۰/۰۲۸۹۵	۲۵/۶۱۱۲۱	۲۹/۷۳۷۰۹	-۴/۱۲۵۸۸	-۰/۴۰۴۸۶	-۰/۸۴۴۱۸	۲/۰۷۷۴۳۸	-۲/۹۲۱۶۲	-۰/۰۲۸۹۵	۲۵/۶۱۱۲۱	۲۹/۷۳۷۰۹	-۴/۱۲۵۸۸
صنعت	صنعت	-۰/۱۲۷۲۲	-۰/۷۰۶۲۲۵	۵/۲۱۰۷۷۴	-۴/۰۵۴۴۵	-۰/۴۷۷۲۱	-۱/۸۹۱۸	۱/۷۰۱۵۱	-۳/۰۹۳۳۱	-۰/۱۲۷۲۲	-۰/۷۰۶۲۲۵	۵/۲۱۰۷۷۴	-۴/۰۵۴۴۵
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۳۹۹۰۹	-۱/۸۲۳۵۹	۱/۰۴۳۵۱۱	-۲/۰۸۶۷۱	-۰/۷۷۹۷۷	-۲/۰۷۶۲۵	۰/۷۷۳۹۹	-۲/۰۸۰۲۴	-۰/۳۹۹۰۹	-۱/۸۲۳۵۹	۱/۰۴۳۵۱۱	-۲/۰۸۶۷۱
خدمات	خدمات	-۰/۰۷۳۷۴	-۰/۱۷۱۵۰۷	۲/۰۵۵۸۷۱	-۲/۰۳۸۷۲	-۰/۱۶۷۸۰۴	-۳/۰۷۰۰۴۵	-۲/۰۳۲۵۴۲	-۱/۳۷۵۰۴	-۰/۰۷۳۷۴	-۰/۱۷۱۵۰۷	۲/۰۵۵۸۷۱	-۲/۰۳۸۷۲
صنعت	صنعت	-۰/۲۰۶۰۱	-۰/۰۵۸۵۹۵	۱/۶۳۲۱۱۵	-۲/۰۲۱۸۰۶	-۰/۲۶۷۹	-۰/۴۷۱۷۳	۱/۰۷۷۴۸۵	-۱/۷۴۶۵۸	-۰/۰۲۰۶۰۱	-۰/۰۵۸۵۹۵	۱/۶۳۲۱۱۵	-۲/۰۲۱۸۰۶
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۰۳۰۵۵	-۱/۲۲۰۴۵	-۰/۷۱۲۰۹۴	-۱/۰۳۲۵۴	-۰/۰۳۷۳۸	۳/۰۶۳۱۲۲	۴/۰۵۱۴۲۲۳	-۱/۴۵۱۱	-۰/۰۳۰۵۵	-۱/۲۲۰۴۵	-۰/۷۱۲۰۹۴	-۱/۰۳۲۵۴
خدمات	خدمات	-۰/۱۷۷۱۶	-۰/۳۲۵۰۷	-۰/۹۰۵۷۸	-۳/۰۲۳۰۸۵	-۰/۰۳۵۰۶	-۱۴/۸۸۶۵	-۱۲/۰۳۲۱	-۲/۰۸۵۴۴۱	-۰/۱۷۷۱۶	-۰/۳۲۵۰۷	-۰/۹۰۵۷۸	-۳/۰۲۳۰۸۵
صنعت	صنعت	-۰/۱۶۰۴۴	-۱/۰۷۰۶۵۷	۱/۰۰۳۰۴۵	-۲/۰۷۰۶۶۲	-۰/۱۰۸۴۵	-۱/۰۵۱۴۲	۰/۶۷۹۱۵۳	-۲/۰۶۰۰۵۷	-۰/۱۶۰۴۴	-۱/۰۷۰۶۵۷	۱/۰۰۳۰۴۵	-۲/۰۷۰۶۶۲
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۱۰۴۴۸۸	-۰/۸۱۳۷۴	-۰/۰۰۷۰۸	-۲/۰۸۰۶۶	-۰/۰۹۳۴	۴/۰۷۷۴۳۸۸	۸/۰۳۷۳۵۰۱	-۱/۹۹۹۱۱	-۰/۱۰۴۴۸۸	-۰/۸۱۳۷۴	-۰/۰۰۷۰۸	-۲/۰۸۰۶۶
خدمات	خدمات	-۰/۰۲۰۲۷	-۱/۱۸۱۹۴۷	۱/۰۶۷۷۴۸	-۲/۰۸۸۲۲۲	-۰/۱۶۹۳	۱/۰۳۴۴۰۸	۲/۹۱۷۴۳۵۳	-۱/۸۸۱۹۵	-۰/۰۲۰۲۷	-۱/۱۸۱۹۴۷	۱/۰۶۷۷۴۸	-۲/۰۸۸۲۲۲
صنعت	صنعت	-۰/۱۸۹۴۵	-۱/۶۲۱۳۷	۱/۱۶۸۲۰۲	-۲/۰۷۸۹۵۸	-۰/۰۵۹۹۸۶	-۱/۷۷۰۲۷	۰/۴۵۸۷۸۲۸	-۲/۰۲۹۹۰۶	-۰/۱۸۹۴۵	-۱/۶۲۱۳۷	۱/۱۶۸۲۰۲	-۲/۰۷۸۹۵۸
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۰۵۰۴۱	-۱/۰۰۴۲۹	۱/۷۵۱۴۳۱	-۲/۰۷۵۰۷۲	-۰/۰۵۰۶۰۱	-۱/۶۴۴۶	۰/۴۷۷۹۳۱	-۲/۰۹۲۵۳	-۰/۰۵۰۴۱	-۱/۰۰۴۲۹	۱/۷۵۱۴۳۱	-۲/۰۷۵۰۷۲
خدمات	خدمات	-۰/۰۰۷۰۲	۱۲۴/۲۹۳۱	۱۲۶/۹۰۲۲	-۲/۰۶۰۹۰۴	-۰/۱۴۱۴۲۱	-۵/۰۱۰۴۵	-۳/۰۷۴۲۴۱	-۱/۸۶۸۰۴	-۰/۰۰۷۰۲	۱۲۴/۲۹۳۱	۱۲۶/۹۰۲۲	-۲/۰۶۰۹۰۴
صنعت	صنعت	-۰/۰۵۶۰۵	۸/۰۵۶۰۷۶۳	۹/۰۲۰۷۵۷۹	-۲/۰۶۶۱۸۲	-۰/۱۵۵۶۷	-۰/۱۸۲۱۶	۱/۰۸۴۹۹۳	-۲/۰۲۶۱۵	-۰/۰۵۶۰۵	-۰/۰۵۶۰۷۶۳	۹/۰۲۰۷۵۷۹	-۲/۰۶۶۱۸۲
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۱۸۹۹۸	۳/۱۲۰۴۲۶	۸/۰۵۱۰۴۰۵	-۳/۰۳۹۳۶۲	-۰/۰۷۰۱۶	۱/۰۲۴۴۵۱	۳/۰۴۰۵۰۴۵	-۲/۱۶۰۵	-۰/۱۸۹۹۸	-۰/۱۲۰۴۲۶	۸/۰۵۱۰۴۰۵	-۳/۰۳۹۳۶۲
خدمات	خدمات	-۰/۰۴۰۷۸	۱/۷۶۸۸۷۸	۶/۰۲۴۲۸۲۴	-۴/۰۴۷۳۹۵	-۰/۳۹۲۹۵	۱/۰۴۶۴۹۶	۴/۰۴۹۶۸۴	-۳/۰۴۳۱۹	-۰/۰۴۰۷۸	-۰/۰۴۰۷۸	۱/۷۶۸۸۷۸	-۶/۰۲۴۲۸۲۴
صنعت	صنعت	-۰/۳۹۹۴۳۹	-۰/۰۶۲۸۷۳	۲/۱۰۳۰۸۳	-۲/۰۵۷۵۸	-۰/۴۱۸۳	-۱/۴۸۲۹۸	۱/۰۵۹۱۵۶۶	-۳/۰۷۴۵۴	-۰/۳۹۹۴۳۹	-۰/۰۶۲۸۷۳	۲/۱۰۳۰۸۳	-۲/۰۵۷۵۸
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۰۴۱۰۹	-۰/۴۱۳۸۹	۳/۱۰۱۱۱۵۹	-۳/۰۳۹۷۲۷	-۰/۴۲۹۹۵	-۱/۷۰۰۷۱	۰/۷۶۷۰۹۸	-۲/۰۴۷۷۸	-۰/۰۴۱۰۹	-۰/۴۱۳۸۹	۳/۱۰۱۱۱۵۹	-۳/۰۳۹۷۲۷
خدمات	خدمات	-۰/۰۸۱۰۷	۶/۰۲۲۴۲۵۳	۸/۰۵۰۱۴۹۶	-۲/۰۴۷۷۲۴	-۰/۰۱۳۹۸۹	-۱/۸۱۴۵۸	-۰/۰۱۴۵۸	-۱/۰۶۰۴۶۹	-۰/۰۸۱۰۷	-۰/۰۸۱۰۷	۶/۰۲۲۴۲۵۳	-۲/۰۴۷۷۲۴
صنعت	صنعت	-۰/۱۶۶۷۹	-۲/۰۵۸۱۶	-۰/۰۰۱۶۴۶	-۲/۰۵۸۳۲۴	-۰/۳۶۵۸۲۳	-۰/۹۱۱۲۳	-۰/۸۲۰۶۹۹	-۱/۷۳۱۹۲	-۰/۱۶۶۷۹	-۲/۰۵۸۱۶	-۰/۰۰۱۶۴۶	-۲/۰۵۸۳۲۴
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۰۷۶۶۶	-۲/۰۸۷۸۰۴	-۰/۰۰۶۲۷	-۲/۰۸۷۱۷۷	-۰/۲۱۳۳۶	-۲/۰۸۷۱۷	-۰/۱۹۳۱۹	-۱/۸۹۳۹۸	-۰/۰۷۶۶۶	-۲/۰۸۷۸۰۴	-۰/۰۰۶۲۷	-۲/۰۸۷۱۷۷
خدمات	خدمات	-۰/۰۲۵۰۱۹	-۰/۱۸۲۱۳	۱/۰۷۲۲۴۱۱	-۱/۰۹۳۷۱	-۰/۴۲۸۳۲	-۰/۶۹۱۲۹۱	-۰/۶۰۸۱۷۱	-۱/۰۳۰۱۰۸	-۰/۰۲۵۰۱۹	-۰/۱۸۲۱۳	۱/۰۷۲۲۴۱۱	-۱/۰۹۳۷۱
صنعت	صنعت	-۰/۰۳۳۴۸۵	-۱/۱۰۷۹۸	۰/۱۳۹۷۷۵	-۱/۲۴۷۷۶	-۰/۴۵۴۶۸	-۰/۹۱۶۷۲	-۰/۰۷۰۷۶۱	-۰/۹۸۷۴۹	-۰/۰۳۳۴۸۵	-۱/۱۰۷۹۸	۰/۱۳۹۷۷۵	-۱/۲۴۷۷۶
کشاورزی	کشاورزی	-۰/۰۵۲۴۶۸	-۰/۱۸۹۸۸۱	-۰/۸۸۲۳۰۵	-۱/۷۸۱۱۱	-۰/۸۰۴۱	-۰/۹۲۵۸	-۰/۰۳۱۰۶۴۳	-۱/۲۳۶۴۴	-۰/۰۵۲۴۶۸	-۰/۱۸۹۸۸۱	-۰/۸۸۲۳۰۵	-۱/۷۸۱۱۱

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۴. شاخص رشد فقرزدای PPGI

شاخص رشد فقرزدای PPGI						استان
کشاورزی	روستایی	خدمات	کشاورزی	شهری	خدمات	
صنعت			صنعت	خدمات		
-۱۱/۸۲	-۰/۷۸	۲/۲۹*	-۰/۱۲	-۰/۱۴	۰/۱۵	آذربایجان شرقی
-۰/۷۲	-۰/۶۹	۰/۲۶	۸/۹۳*	۰/۹۴	۷/۱۴	اصفهان
-۰/۷۲	-۰/۵۲	-۰/۲۷	-۰/۶۳	۰/۱۵	۶/۲۵	تهران
۲/۱۲	-۰/۲۷	۲/۶۹*	-۰/۶۳	-۰/۲۵	۰/۰۷	خراسان رضوی
۲/۱۷	-۰/۶۹	۵/۲۱*	۱*	-۰/۶۳	۰/۷۲	خوزستان
-۰/۷۵	-۰/۹۲	-۰/۵۳	-۰/۵	-۰/۸۸	-۰/۴۳	سیستان و بلوچستان
-۰/۷۷	-۰/۷۹	۰/۵۴	-۰/۳۶	-۰/۵۸	-۰/۶۳	فارس
۰/۵۷	-۰/۰۸	۳*	۰/۹۲	۲/۵	۵۰	کرمانشاه
-۰/۶۸	-۰/۴۸	۰/۴۶	۰/۱۲	-۰/۲۲	۰/۳۹	مازندران
-۱/۰۹	-۰/۵۲	۱/۵*	-۱/۰۱	-۱	۲/۵۶	مرکزی

مأخذ: نتایج تحقیق



شکل ۱. نمودار PPGI برای استان‌های منتخب طی دوره تحت بررسی

در استان آذربایجان شرقی با توجه به رشد مثبت و PPGI بزرگ‌تر از یک در بخش خدمات مناطق روستایی بیشترین فقرزدایی را داشته است. در بخش خدمات مناطق شهری نیز با وجود آن که رشد منفی می‌باشد و از این‌رو رشد فقرزدا نیست، اما با توجه به شاخص رشد فقرزدایی مثبت، از نظر فقرزدایی در دومین اولویت این استان قرار می‌گیرد و به نفع فقرا عمل کرده است. با کاهش نابرابری، افزایش فقر حاصل از کاهش در آمدها را برطرف کرده و باعث کاهش فقر در این بخش گشته است. در استان اصفهان در بخش کشاورزی مناطق شهری رشد مثبت است و شاخص رشد فقرزدا بزرگ‌تر از یک نشان می‌دهد که این بخش رشد فقرزدا داشته و بیشترین میزان کاهش فقر را ایجاد کرده است، لذا اولویت فقرزدایی استان اصفهان می‌باشد. در بخش‌های صنعت و خدمات شهری و خدمات روستایی رشد منفی بوده است، لذا رشد فقرزدا نیست، اما شاخص رشد فقرزدا نشان می‌دهد که به ترتیب بخش‌های خدمات شهری، صنعت شهری و خدمات روستایی بیشترین فقرزدایی را پس از کشاورزی شهری ایجاد کرده‌اند و اولویت‌های بعدی این استان می‌باشند. در استان تهران هیچ‌یک از بخش‌ها رشد مثبت نداشته‌اند، بنابراین بخشی به عنوان اولویت رشد فقرزدا ندارد اما بخش خدمات شهری با شاخص رشد فقرزدای مثبت بزرگی که دارد نشان می‌دهد که با کاهش نابرابری، فقر را به میزان چشم‌گیری کاهش داده و اولویت فقرزدایی این استان می‌باشد پس از آن بخش صنعت شهری در اولویت دوم این استان از نظر فقرزدایی قرار دارد، اما شاخص PPGI آن بسیار کوچک‌تر از بخش خدمات شهری بوده لذا فقر را به میزان بسیار کمتری نسبت به این بخش کاهش داده است. استان خراسان رضوی در بخش خدمات مناطق روستایی با رشد مثبت و شاخص رشد فقرزدای بزرگ‌تر از یک نشان‌دهنده بخشی است که رشد فقرزدا داشته است بنابراین اولویت این استان می‌باشد. پس از آن بخش‌های کشاورزی روستایی و خدمات شهری به ترتیب قرار می‌گیرند که با توجه به رشد منفی این دو بخش، رشد فقرزدا ندارند اما از نظر فقرزدایی در اولویت این استان قرار می‌گیرند؛ اما استان خوزستان در دو بخش کشاورزی شهری و خدمات روستایی رشد فقرزدا داشته است. با توجه به شاخص رشد فقرزدای PPGI اولویت این استان با بخش خدمات روستایی است که فقرزدایی بیشتری را ایجاد کرده است. بخش کشاورزی

شهری در مرتبه دوم این استان قرار می‌گیرد؛ اما در بخش کشاورزی روستایی با وجود آن که رشد فقرزدا وجود نداشته است، شاخص PPGI نشان می‌دهد که توزیع درآمدها باعث کاهش فقر شده است، بنابراین در اولویت سوم این استان قرار دارد. بخش خدمات شهری با شاخص PPGI بین صفر و یک و رشد مثبت نشان دهنده رشد سرریز می‌باشد، در این وضعیت فقرا همواره منافع کمتری نسبت به اغنية به دست می‌آورند، گرچه فقر کاهش یافته اما این نرخ کاهش فقر بسیار به کندی حاصل شده است، چون بخش عمدۀ منافع حاصل از رشد نصیب اغنية شده و نابرابری افزایش یافته است. این وضعیت در تمام جامعه تحت بررسی تنها در این بخش رخداده است. در استان سیستان و بلوچستان علاوه بر این که در هیچ‌یک از بخش‌ها رشد مثبت وجود نداشته و شاخص PPGI در تمامی موارد منفی می‌باشد که حاکی از فقرزدا نبودن رشد اقتصادی است، اما می‌توان گفت بخش خدمات شهری با بزرگ‌ترین شاخص PPGI کمترین افزایش در فقر را ایجاد کرده و از این حیث بهترین بخش این استان می‌باشد. شاخص PPGI در استان فارس به جز بخش خدمات شهری در تمام بخش‌ها منفی بوده و رشد فقرزدا در هیچ‌یک از بخش‌ها به چشم نمی‌خورد، حتی در بخش خدمات شهری نیز با توجه به منفی بودن رشد فقر تنها از طریق بهبود وضعیت توزیع درآمدها فقر را کاهش داده است و در اولویت این استان قرار دارد. شاخص PPGI نشان می‌دهد که استان کرمانشاه تنها در بخش خدمات روستایی از رشد فقرزدا برخوردار بوده است، لذا این بخش در مرتبه اول قرار می‌گیرد. پس از آن بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی شهری و درنهایت کشاورزی روستایی قرار دارند که با وجود رشد منفی توانسته اند فقر را کاهش دهنده که البته از رشد فقرزدا محروم بوده‌اند. در این استان تنها بخش صنعت روستایی است که شاخص PPGI منفی داشته و فزاینده فقر بوده است. در استان مازندران هیچ‌یک از بخش‌ها رشد فقرزدا ایجاد نکرده اند اما به ترتیب سه بخش خدمات روستایی، خدمات شهری و کشاورزی شهری سه رتبه اول این استان در کاهش فقر را دارا هستند که با توجه به رشد منفی و PPGI مثبت تنها از طریق بهبود وضعیت توزیع درآمدها فقر را کاهش داده‌اند. بخش خدمات روستایی در استان مرکزی رشد فقرزدا داشته است و در اولویت استان قرار می‌گیرد. پس از آن تنها بخش

خدمات شهری است که فقر را کاهش داده است، اما این بخش از رشد فقرزدا برخوردار نبوده و شاخص PPGI حاکی از آن است فقرزدایی چشم‌گیر این بخش ناشی از اثر توزیعی می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به اینکه امروزه فقر یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی بشر است، تلاش برای از بین بردن این معضل اجتماعی یکی از برجسته‌ترین اهداف رشد و توسعه اقتصادی است. رشد همه‌جانبه نقشی حیاتی در شتاب بخشیدن به کاهش فقر دارد، اما نابرابری نیز دامنه انتفاع فقرا از رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طی دهه‌های اخیر کشورهایی که به هر دو مقوله رشد اقتصادی و بهبود وضعیت توزیع درآمدها اهمیت داده‌اند توانسته‌اند گام مؤثری در راستای کاهش فقر بردارند. چراکه رشد اقتصادی به‌نهایی قادر به کاهش فقر نخواهد بود اگرچه در روند رشد اقتصادی آنچه سبب کاهش فقر می‌شود افزایش درآمد خانوارهاست اما علاوه بر این توزیع درآمد بین خانوارها نیز باید به‌گونه‌ای باشد که خانوارهای فقیر نیز از رشد منتفع شوند. چنان‌که عنوان شده، رشد اقتصادی از دو کanal رشد میانگین درآمدها و وضعیت توزیع درآمدها بر فقر تأثیر می‌گذارد، لذا در این مطالعه تأثیر هر دو عامل توزیع درآمد و رشد میانگین درآمدها بر فقر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

چنان‌که عنوان شد برآیند دو اثر توزیعی و درآمدی بر فقر راستای تغییرات فقر درنتیجه رشد را تعیین خواهد کرد. از این‌رو اثرات توزیعی و درآمدی موردمحاسبه قرار گرفتند و با توجه به این‌که در این مطالعه هدف اصلی برآورده رشد فقرزدایی است، با استفاده از این اثرات، کشش‌های توزیعی و درآمدی برآورد شدند تا با محاسبه شاخص رشد فقرزدای PPGI فقرزدا بودن یا نبودن رشد معین گردد. در هریک از استان‌ها، برای تمام بخش‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی اثرات درآمدی و توزیعی موردمحاسبه قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن است که اثر توزیعی در اکثریت موارد، باعث کاهش فقر شده است و نابرابری درآمدی کاهش یافته است. بدین مفهوم که وضعیت توزیع درآمدها به نفع فقرا عمل کرده است. حتی در مواردی که اثر درآمدی موجب افزایش فقر شده است، وضعیت توزیع درآمدها باعث شده تا فقرا از افزایش فقر آسیب کمتری

بینند. طی دوره تحت بررسی این مطالعه، سمت و سوی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به‌تمامی، معطوف به نوعی الگوی باز توزیع ثروت در جامعه بوده است، به صورتی که سیاست‌هایی مانند مسکن مهر، سهام عدالت و هدفمندی یارانه‌ها به شکل مشخص واجد خصلت‌های باز توزیعی بر جسته‌ای دیده شده‌اند.

به علاوه نتایج نشان می‌دهد که در استان‌های مذکور مناطق روستایی در کاهش فقر مؤثرتر عمل کرده‌اند که این خود می‌تواند بدان علت باشد که با شتاب گرفتن فرایند صنعتی شدن، ایران با چالش نابرابری فراینده مناطق شهری و روستایی، انفجار جمعیت در شهرهای بزرگ و روستاهای متروکه که سرمایه‌های فیزیکی و انسانی خود را از دست می‌دهند، مواجه شد. لذا دولت کوشید تا با اعمال سیاست‌های مختلف، توسعه روستایی را تسريع کند و این وضعیت نامطلوب را تغییر دهد.

وضعیت جامعه روستایی ایران نیز نشان می‌دهد که با افزایش سطح سواد، دانش و مهارت‌های علمی و عملی، گرایش به اشتغال در بخش‌های سنتی اقتصاد کمتر شده و میل و رغبت برای اشتغال در بخش‌های مدرن و خدماتی بیشتر است؛ و این خود باعث شده است تا در مناطق روستایی استان‌های تحت بررسی بیشترین فقرزدایی در بخش خدمات باشد.

همچنین نتایج حاکی از آن است که در استان اصفهان بالاترین میزان شاخص رشد فقرزدای PPGI مربوط به بخش کشاورزی در مناطق شهری می‌باشد. این استان یکی از مراکز اقتصادی و از قطب‌های صنعت کشاورزی کشور است که با دارا بودن شرایط اقلیمی متنوع و قابلیت‌های بالقوه منابع طبیعی و منابع انسانی تجهیز شده و به عنوان یکی از استان‌های مهم کشور در زمینه تولید محصولات کشاورزی، دامی و پرورشی مطرح می‌باشد. از این‌رو بخش کشاورزی استان اصفهان از وضعیت بسیار مناسبی برخوردار می‌باشد که این خود باعث شده است تا رشد میانگین درآمدها در این بخش مثبت بوده و فقر به مقدار چشم‌گیری درنتیجه اثر درآمدی کاهش یابد به علاوه بخش کشاورزی مناطق شهری بیشترین تمرکز فقرا را دارد؛ به گونه‌ای که ۴۵٪ جمعیت این بخش فقیر هستند، لذا رشد توانسته است باعث بهبود وضعیت درآمدها در این بخش گردد.

بزرگ‌ترین میزان شاخص PPGI در استان تهران مربوط به بخش خدمات در مناطق شهری می‌باشد. این بخش سهمی ۷۸ درصدی در تولید ناخالص داخلی تهران را دارد. علاوه بر این بخش خدمات در مناطق شهری استان تهران بیشترین جمعیت این استان را دربرمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که نیمی از جمعیت تهران در بخش خدمات شهری طبقه‌بندی می‌شوند، از این‌رو این بخش توانسته است با توجه به سهم تولیدی و جمعیتی بالایی که دارد بیشترین میزان کاهش فقر را در این استان ایجاد کند.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، طی دوره تحت بررسی رشد در ۸۷٪ موارد منفی بوده است، لذا میانگین درآمدها فقر را افزایش داده است و چنان‌که به‌طور کلی فقر کاهش‌یافته تنها از طریق تغییر در وضعیت توزیع درآمدها بوده است؛ اما هدف تنها کاهش فقر نیست بلکه رشد فقرزدا مد نظر می‌باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن آسیب‌هایی که رشد منفی طی دوره بررسی بر وضعیت فقرا و رفاه عمومی جامعه داشته است، از این‌پس به‌طور همزمان به رشد و کاهش فقر توجه گردد و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به سمتی معطوف شود که رشد افزایش یابد. عموماً در استان‌های تحت بررسی بخش‌هایی رشد فقرزدا داشته‌اند که تمرکز فقرا در آن‌ها بیشتر بوده است، از این‌رو پیشنهاد می‌شود در سیاست‌های رشد فقرزدا به این بخش‌ها اهمیت بیشتری داده شود تا قشر فقیر جامعه از این‌دست سیاست‌گذاری‌ها بیش از سایرین متفع گردد که این خود منجر به کاهش فقر می‌شود.

اگرچه در ۷۰٪ استان‌های تحت بررسی بیشترین مقدار شاخص رشد فقرزدای PPGI مربوط به بخش خدمات در مناطق روستایی است، اما مزیت درآمدی در این استان‌ها عموماً بخش کشاورزی مناطق روستایی و بخش صنعت مناطق شهری می‌باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در سال‌های آتی جهت ایجاد رشد مثبت در هر استان، علاوه بر بخش خدمات به این بخش‌ها نیز توجه شود تا با آشکار کردن ظرفیت‌های بالقوه خود باعث کاهش فقر گردد.

استان سیستان و بلوچستان در تمام بخش‌ها با رشد منفی مواجه بوده است، به گونه‌ای که افزایش فقر ناشی از این رشد منفی به‌قدری بوده که حتی با وجود کاهش فقر در اثر بهترشدن توزیع درآمدها، باز هم فقر در تمام بخش‌ها افزایش یافته است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در این استان سیاست‌های حمایتی برای بهبود وضعیت فقرا و هم‌چنین سیاست‌های ایجاد رشد اتخاذ گردد.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و رضا عباسی قادری (۱۳۸۶)، "برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۳۰.
- ارضروم چیلو، نسرين (۱۳۸۴)، "ابعاد گوناگون فقر در ایران"، *مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*، شماره ۲۷.
- بزلی، تیمی و لویز کورد (۱۳۸۹)، *رشد فقرزدا*، ترجمه عباس شاکری و امین مالکی: تهران، نشر نی.
- خداداد‌کاشی، فرهاد؛ باقری، فریده؛ حیدری، خلیل و امید خداداد‌کاشی (۱۳۸۱)، "اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران"، *پژوهشکده مرکز آمار ایران*.
- راغفر، حسین؛ باباپور، میترا و محمدثه یزدان‌پناه (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه"، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، سال چهارم، شماره ۱۶، ۷۹-۵۹.
- ذروکی، شهریار و مجتبی شهمیری شورمستی (۱۳۹۱)، "برآورد خط فقر در استان مازندران طی برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران"، *فصلنامه پژوهشی بازرگانی*، شماره ۶۴، پاییز ۹۱، ۲۲۳-۲۴۵.

- Foster,J.; Greer, J. and Erik Thorbecke** (1984), “Notes and Comments A Class Of Decomposable Poverty Measures”, *Econometrica*, vol, 52, No, 3.
- Kakwani, N. and H. Son** (2008), “Poverty Equivalent Growth Rate”, *Review of Income and Wealth*, 54(4).
- Kakwani, N.; Khandker, S. and H. Son** (2004), “Pro-poor Growth: Concepts and Measurements with Country Case Studies”, *UNDP International Poverty Center*, Working Paper 1.
- Zamman, Khalid** (2016), “Poverty Intensive Curve: A New form Of Pro-Poor Index”, *Forensic Research and Criminology International Journal*.
- Klump, R.** (2007), “Was Growth Pro-Poor in Vietnam? Assessments and policy Recommendations”, *Deutsche Gesellschaft fur Technische Zusammenarbeit*, Eschborn, Germany.
- Lopez, H.** (2005a), “Growth and Inequality: Are they connected”, *Working Paper*, World Bank, Washington, Dc.
- Todaro Michael and Smith Stephen** (2009), *Economic Development*, Addison Wesley.
- Harold W. Watts** (1964), *AN Economic Definition of Poverty*, Institute for Research on Poverty.
- Bigsten, A. and J. Levin** (2000), “Growth, Income Distribution and Poverty A Review”, *Department of Economic Goteborg University*, Working Paper in Economics, No 32.
- Kakwani, N and E.Perenia** (2000), “What Is Pro-Poor Growth?”, Asian Development Review No. 18, pp. 1-16.
- Ravallion, M. and S. Chen** (2003), “Measuring pro-poor growth”, *Economic Letters*, Vol.78, No.1, PP.93-99.